حق موجود و مشہود

ذٰلِكَ الكِتابُ لَا رَيبَ فِيهِ

ارباب شریعت و طریقت را مژدۂ ہدایت و اصحاب معرفت و حقیقت را نوید سعادت باد کہ دریں
زمان فیض اقتران کتاب مستطاب لب الالباب احادیث و قرآن گلشن ازہار ذوق و وجدان
مخزن اسرار توحیدی مسمی بہ مقابیس المجالس المعروف بہ

اشارات فریدی

از ملفوظات قطب مدار غوث روزگار سلطان العارفین خلیفۃ اللہ فی السموات والارضین مرکز
فلک الولایۃ والعرفان المتصرف فی الاکوان روح المعرفت قلب الحقیقۃ نور فیض وجود
بحت ذات مقدس حضور اقدس قبلہ اہل توحید حضرت خواجہ غلام فرید رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ جمع
کردہ بندہ رکن الدین پرہار سونکی ثبتہ اللہ تعالیٰ علی الصدق والیقین است بفرمان ہدایت
بنیان سند الکاملین حجۃ الواصلین قطب الموحدین شیخ الاسلام محبوب الٰہی مورد انوار نامتناہی حضرت
خواجہ محمد بخش سجادہ نشین دام فیضہ و متع اللہ الناس بطول بقائہ بحسن توجہ افتخار الملک فخر الامراء
صاحبزادہ محمد عبد العلیم خان صاحب بہادر امیر ٹونک سلمہ ربہ

در مطبع مفید عام آگرہ باہتمام محمد قادر علی خان صوفی طبع شد
سنہ ۱۳۲۰ھ

نماز حضور خواجه ابقاه الله تعالی بدولت خانه شریف تشریف فرما شدند و این بنده بر وثاق
خویش آمد بعد از ساعت این بنده راقم الحروف باز بخدمت شریف حضور خواجه
ابقاه الله تعالی مشرف شد حضور مسند آرا بودند و همه حضار مجلس حلقه بسته
نشسته اند که حضور خواجه ابقاه الله تعالی کلاه مبارک را از سر اشرف بیک دست
بالا بر داشتند و بدیگر دست از زلفین شریفین موئے چند فرود آوردند من تیره شدم
که برخیزم و این موئے مبارک را بگیرم مگر پیش از من میان برکت علی یابی که
منظور خاطر حضور خواجه ابقاه الله تعالی بود آن موها را بگرفت انگه سوے من
دید من او را به نصف نصف کردن اشاره دادم وے سر جنبانید و منظور کرد آخر
بر جائے او رفتم و آن همه موئے مبارک را از وے بگرفتم و حرز جان خود ساختم ان شاء الله
تعالی این موئے مبارک نزد من و نزد اولاد من تبرک خواهد بود الحمد لله علی ذلک

مقبوس بیست و هفتم - بوقت عشاء شب سه شنبه بیست و نهم
از ماه شعبان سال مذکور دولت پائے بوس زیارت حضرت اقدس که عبادتے
و سعادتے بهتر ازین نیست میسر گشت سخن در ذکر مرزا غلام احمد قادیانی و در بیان
رد و قدح منکرین افتاده بود دانشمندی حاضر بود وے صفت و ثنا مرزا
صاحب کرد حضور خواجه ابقاه الله تعالی ابقاءه بدرجه غایت خوش و مسرور شدند
بعد ازان فرمودند که همه اوقات مرزا صاحب بعبادت خدا عزوجل میگذرند
یا نماز میخواند یا تلاوت قرآن شریف میکند یا دیگر شغل اشغال مینماید و برحمایت اسلام
و دین چنان کمر همت بسته که ملکه زمان لندن را نیز دعوت دین محمدی کرده است
و بادشاه روس و فرانس و غیرهما را هم دعوت اسلام نموده است و همه سعی و کوشش

دور اینست که عقیدهٔ تثلیث وصلیب را که سراسر کفر است بگذارند - وبتوحید
خداوند تعالی بگروند وعلماے وقت را به بینید که دیگر گروه مذاهب باطله را گذاشته
صرف درپے این چنین نیک مرد که از اہل سنت وجماعت است وبر صراط مستقیم
است وراه ہدایت می نماید افتاده اند وبروے حکم تکفیر مے سازند کلام عربی او به بینید که
از طاقت بشریه خارج است وتمام کلام او مملو از معارف وحقائق وہدایت است
واز عقیدهٔ اہل سنت وجماعت وضروریات دین ہرگز منکر نیست بعد ازان
فرمودند که مرزا صاحب بر مہدویت خود بسیار علامات بیان کرده مگر از انمیان
دو علامات که بر کتاب خود درج ساخته بیان نموده است برتر وبدرجه غایت بر
دعوی مہدویت او گواه اند - یکے اینکه او گفته که در حدیث شریف آمده است که قال
النبی صلی الله علیه وسلم یخرج المهدی من قریة یقال لها کدعة ویصدق
الله تعالی ویجمع اصحابه من اقصی البلاد علی عدة اهل بدر بثلاث مائة
وثلاثة عشر رجلا ومعه صحیفة مختومة (ای مطبوعة) فیها عدد اصحابه
باسمائهم وبلادهم وخلالهم یعنی فرمودند نبی صلی الله علیه وسلم برون آید مہدی
از دہی که گفته شد او را کدعه که کدعه در اصل معرب کادیان است . دوم این است
که او میگوید که در دار قطنی این حدیث از امام محمد باقر رضی الله عنه روایت کرده است
که ان لمهدینا آیتین لم تکونا منذ خلق السموت والارض ینکسف
القمر لاول لیلة من رمضان تنکسف الشمس فی النصف منه ہرگاه خسوف
قمر وکسوف شمس بتاریخ ششم ماه اپریل ۱۸۹۴ء ہژده صد ونود وچہار واقع
شد پس مرزا صاحب برائے اتمام حجت خود در اطراف واکناف عالم اشتہار این معنی

ارسال کرد کہ این پیشین گوئی کہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم برائے
ظہور مہدی موعود فرمودہ بودند۔ اکنون تمام شدہ است بر ہمہ واجب کہ مہدیت
من اعتراف کنید و اقرار نمائید پس مولویان وقت طفلانہ سوال کردند کہ از حدیث
شریف این معنی بر می آید کہ از اول شب رمضان خسوف قمر شود و در نیمہ رمضان آن
کسوف شمس گردد و این خسوف بتاریخ سیزدہم رمضان واقع گشتہ و کسوف
بتاریخ بست و ہشتم رمضان بوقوع آمدہ این خلاف منطوق حدیث است ان
خسوف و کسوف دیگر خواہد بود کہ در زمان مہدی برحق وقوع یابد۔ **بعد ازان**
حضور خواجہ القاہ اللہ تعالیٰ ببقائہٖ فرمودند سبحان اللہ بشنوید آنچہ مرزا صاحب
معنی حدیث شریف مذکور بیان نمودہ و مولویان منکران را جواب دادہ است مرزا
صاحب گفتہ کہ معنی حدیث شریف این است کہ برائے تائید و تصدیق مہدی ما
دو نشان مقرر اند ازان مدت کہ آسمانہا و زمین پیدا شدہ اند آن دو نشان در وقت
کسے مدعی بظہور شاہدہ و آن دو نشان این است کہ در وقت ادعا مہدی موعود خسوف
قمر در آن اول شب خواہد بود کہ آن شب از سہ شب خسوف اول است یعنی شب
سیزدہم از رمضان و کسوف شمس دران روز خواہد بود کہ از ایام کسوف درمیانہ
روز است یعنی بیست و ہشتم از رمضان **بعد ازان** حضور فرمودند کہ
بیشک معنی حدیث شریف این چنین است کہ مرزا صاحب بیان کردہ چہ خسوف
قمر ہمیشہ بتاریخ سیزدہم یا چہاردہم یا پانزدہم ماہ واقع میشود و کسوف شمس
ہمیشہ در تاریخ بیست و ہفتم یا بیست و ہشتم یا بیست و نہم ماہ بوقوع می آید پس
خسوف قمر کہ بتاریخ ششم از ماہ اپریل ۱۸۹۴ء ہزار ہشتصد و نود و چہارم عیسوی واقع

شده است و آن بتاریخ سیزدهم رمضان که اول شب از شبهای خسوف است بوقوع آمده و کسوف
درمیانه روز از روزها کسوف شمس واقع گشته است بعد از آن سجده مبارک بر سر بر نهادند و نماز
عشاء را با جماعت گزاردند بنده نیز دران جماعت داخل بود. آنگاه
این بنده راقم الحروف بر وثاق خود آمد حضور خواجه البقاه الله تعالی ببقائه همچنان شاغل
بخدا ماندند مقبوس بیست و هشتم بوقت عشاء شب جمعه بتاریخ دوم از ماه رمضان شریف
سال سیزده صد و چهاردهم هجری المقدس دولت پای بوس و زیارت حضرت اقدس که عبادتی
و سعادتی بهتر ازین نیست میسر گردید حضور خواجه البقاه الله تعالی ببقائه و نفعنا و ایاکم ببقائه
فرض عشاء با جماعت گذاردند و سنن رواتب گذارده دعای سبحان ذی الملک والملکوت
سبحان ذی العزت والعظمت والهیبت والقدرت والکبریاء والجبروت سبحان الملک
الحی الذی لا ینام ولا یموت سبوح قدوس ربنا ورب الملئکة والروح اللهم اجرنا من النار
یا مجیر یا مجیر یا مجیر برخواندند بتراویح شروع شدند حافظ غلام نبی که همیشه پیش امام حضور خواجه البقاه
الله تعالی ببقائه دی بوده است او را فرمودند که امشب یک سپاره بخوانی پس یک سپاره
در تمام تراویح خوانده شد حضور خواجه البقاه الله تعالی بدولتخانه تشریف فرما شدند این بنده راقم الحروف
و دیگر حضار بر وثاق خویش آمدند مقبوس بیست و نهم بوقت عصر روز جمعه بتاریخ دوم از ماه رمضان
سال مذکور دولت پابوس و زیارت حضرت اقدس که عبادتی و سعادتی بهتر ازین نیست
حاصل شد درهمین روز در فضاے آسمان ابر بوده است حضور خواجه البقاه الله تعالی ببقائه و
نفعنا و ایاکم ببقائه پرسیدند که ابر تنک ست یا غلیظ همه حضار عرض کردند که ابر غلیظ شده است
چون حضور خواجه البقاه الله تعالی را فطرة بدیدن ابر و باران محبت کمال بوده است برخاستند
و فرمودند که بر دیگر طالبان را زیارت کنیم بیرون از محل شریف آمده ابر را مشاهده نمودند آنگاه در مسجد